

سخن سردبیر

قانون اساسی منشور اداره جامعه در چارچوب ساختاری معین و تعریف شده است. مهم‌ترین دغدغه امام خمینی، رهبر فقید انقلاب اسلامی، پس از استقرار جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی و شکل‌گیری ساختار نظام سیاسی جدید و حرکت جامعه بر مدار قانون بود؛ به گونه‌ای که از خوف تأخیر در این امر مهم و حیاتی، از وعده تشکیل مجلس مؤسسان مرسوم گذشتند و خواستار برگزاری همه‌پرسی برای پیش‌نویس قانون اساسی، پس از جمع‌آوری نظرات مراجع، علما، حقوق‌دانان، صاحب‌نظران و سایر اقشار مردم و اصلاح پیش‌نویس شدند؛ و در نهایت شورای انقلاب تصمیم بر تشکیل مجلس مؤسسان با تعداد کمتر (مجلس خبرگان قانون اساسی) گرفت تا در کمترین زمان ممکن قانون اساسی تدوین و به رأی مردم گذاشته شود.

تجربه ده سال اداره جامعه بر مدار قانون اساسی، مسئولان کشور را به وجود مشکلات و ابهاماتی در پاره‌ای از اصول قانون اساسی رساند، به گونه‌ای که به خاطر معضلات جامعه بناچار به امام مراجعه کرده و خواهان حل آن‌ها خارج از چارچوب‌های قانونی می‌شدند. ضرورت بازنگری در برخی از اصول قانون اساسی موجب شد تا پس از ده سال آزمون و تجربه، به اصلاح و بازنگری قانون اساسی رو آورند. این تغییرات با هدف حرکت جامعه بر مدار قانون و پرهیز از اقدامات فراقانونی و نقض قانون اساسی بود؛ هدفی که امام خمینی در پاسخ به اعتراض نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی با صراحت بیان کرده، فرمودند: «ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است، در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۳)

این تأکید به رغم اعتقاد امام به ولایت مطلقه فقیه و اختیارات گسترده حکومت اسلامی، بسیار حائز اهمیت بود. مع الاسف پس از رحلت امام خمینی بنابر برداشت تعدادی از فقیهان، تفسیری از اطلاق ولایت غلبه یافت و مبنای حرکت و اداره جامعه قرار گرفت که هم‌چنان قانون اساسی را ناکافی می‌دانست به گونه‌ای که در صورت صلاحدید می‌توان آن را نادیده گرفت و در صورت لزوم آن را نقض کرد. انتساب این تفسیر به فقه و نظریه ولایت مطلقه فقیه، ایجاب می‌کرد موضوع بیش از پیش مورد تأمل و بررسی قرار گیرد و صحت و سقم این انتساب به فقه از

یک سو، و به امام خمینی از سوی دیگر آشکار شود. هم‌چنین برخی از ایرادها و تنگناهای موجود در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸، پس از سه دهه اداره جامعه بر اساس آن، شناسایی و در زمان اصلاح مجدد این قانون مورد توجه قرار گیرد.

همین دغدغه‌ها موجب شد تا موضوع «مبانی فقهی، حقوقی قانون اساسی» توسط تعدادی از اساتید، فضلا و پژوهشگران حوزه و دانشگاه محور برگزاری یک دوره آموزشی قرار گیرد. هر چند این دوره آموزشی مجموع مباحث مرتبط با این دغدغه را پوشش نمی‌داد، اما گامی کوچک در این راستا بود. محصول بخشی از این دوره، به علاوه مقالاتی دیگر را در دو شماره مجله تقدیم خوانندگان و مخاطبان گرامی نمودیم تا مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد، و گامی در جهت اصلاح ساختاری، قانونی و عملکردی جمهوری اسلامی باشد. هر یک از اساتید و صاحب‌نظران ارائه خود را در قالب مقاله تدوین و در اختیار مجله قرار داده‌اند یا متن تدوین شده را تأیید کرده‌اند؛ که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاریم.